



۹۰

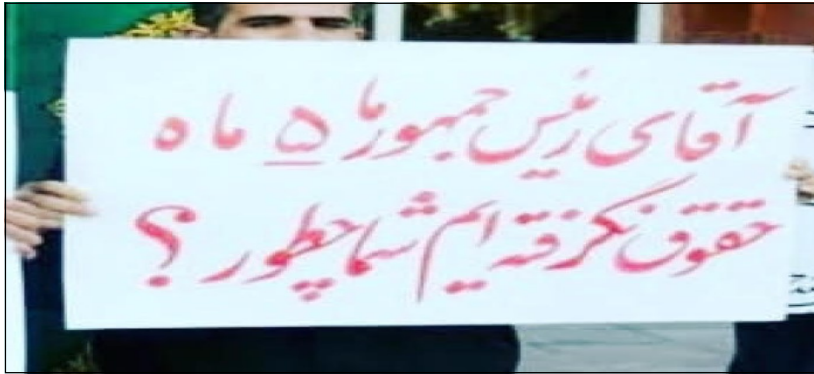
سوسیالیسم امروز

۱۸ اسفند ۱۳۹۷ - ۹ مارس ۲۰۱۹

www.simroz.org

S_zijji@yahoo.se

سرمدیه: سلام زیجی



۸ مارس روز جهانی زن مبارک باد

صفحه ۱۱

۸ مارس در ایران به روایت چند تصویر

صفحه ۱۴

گزارش و اخبار کارگری در هفته ی که گذشت

صفحه ۹

اعتصاب سه روزه فرهنگیان به روایت تصویر

صفحه ۱۲

نسل بعداز انقلاب، قربانی یا انقلابی؟

صفحه ۹

صفحه ۱۰

گزارش تصویری چند اعتراض و رویداد مهم

صفحه ۱۳

شرکت هیئت زنان حزب
سوسیالیست انقلابی
ایران در کنفرانس سالانه
اتحادیه زنان کردستان

صفحه ۶

فدرالیسم، طرحی ارتجاعی برای
سهیم شدن در قدرت دولتی
نه پاسخی به "معضلات ملی"!

صفحه ۷

ارتجاع ارتجاع میزاید (در حاشیه دو کنفرانس "قنفوس" شونیستها، و "فدرالیسم قومی" ناسیونالیستها)

سلام زیجی

در دو هفته گذشته شاهد دو کنفرانس بخشهای مختلف اپوزسیون راست و بورژوازی بودیم. گردانندگان هر دو کنفرانس در کنار سازمان مجاهدین، چند هفته پیشتر صف کشیده بودند تا در کنفرانس ورشو، که به رهبری دولت امریکا برگزار گردید، حضور بهم برسانند و هر کدام به نوعی تلاش نمودند از قافله سناریوسازیهای ارتجاعی هیئت حاکمه امریکا بجا نمانند، و امید داشتند در آنجا بر سر سفره ضد انقلابی و ضد انسانی که خود معمار و سازنده همین نظام جمهوری اسلامی برای سرکوب انقلابیون بودند، به نان و نوای برسند. این نیروهای ارتجاعی ملی گرا و مذهبی برای جانشین شدنشان با جمهوری اسلامی بسیار تعجیل دارند. تک تک این نیروها، اعم از سلطنت طلبان و شونیستهای فارس، ناسیونالیستهای قومی محلی و نیروهای اپوزسیون اسلامی، از خود جمهوری اسلامی بیشتر نگران عروج و گسترش مبارزات انقلابی و کارگری در ایرانند، چرا که چنین روندی را مانع سر راه دستیابی به قدرت خود و چگونگی جایگزین شدن با رژیم اسلامی میدانند. اینها تصور میکردند "گوادلوپ" دیگری در حال شکل گیری است و باید خود را به آن رسانند.

صفحه ۲

کارگران جهان متحد شوید!



ارتجاع ارتجاع میزاید...

اما دیدیم که سرشان به سنگ خورد. متوجه شدند با وجود همسویی کامل و ضد انقلابی آنها با سیاستهای هیئت حاکمه امریکا و یک رئیس جمهور فاشیست به اسم ترامپ، هنوز زمان به بازی گرفتن جدی آنها برای خود دولت امریکا فرا نرسیده است!

این دو قلوبی ارتجاع ملی گرایانه اپوزسیون، شونیسیم فارس تمامیت ارضی خواه، و ناسیونالیسم قومی فدرالیست چی ها، به علاوه سازمان اسلامی مجاهدین، برای آماده سازی خود و از جمله نشان دادن مقبولیت هر چه بیشتر در بارگاه وزارت خارجه امریکا اقدام به سر و سامان دادن خود در قالب دو طرح و دو کنفرانس برآمدند. به عنوان اقدامات هشدار دهنده و بسیار منفی و مخاطره آمیز بر سر راه طبقه کارگر و آزادی و برابری خواهی در ایران، توجه و تعمق بیشتری از جانب نیروهای مسئول و طبقه کارگر ایران می طلبد. به آنها به عنوان نیروهای که فردا میتوانند به کمک دولت امریکا، عربستان و بخشی از "مردم" مستاصل و مرتجع بورژوا و عقب مانده در کشور به جای آزادی و رهایی، و به جایی اتکا به خود آگاهی و سازماندهی مبارزه انقلابی-توده ای و شکل سرنگونی انقلابی جمهوری جنایتکار اسلامی، خون و جنایت و تفنگ و کشتار و تفرقه را بر اساس گروه خونی انسانها و خرافه ملی و مذهبی و میهن پرستی پوچ را به جامعه میتوانند تحمیل کنند. این روند و سیاستها حتی به بقای هر چه بیشتر جمهوری اسلامی کمک کرده و خواهد کرد. این بچه کرگهای وحشی را قبل از پا گرفتن و برخورداری از قدرت بلعیدن آزادی و برابری و انسانیت باید از سر راه برداشت، و از جانب کارگران و زحمتکشان و هر نیرو و صفی که به انسانیت و آزادیخواهی نزدیکی دارد از هم اکنون باید افشا و طرد گردند. هر نوع همراهی و یا سکوت کردن در باره اینها گویای بی مسئولیتی کامل سیاسی و به معنی همراه شدن با این روند هولناک تلقی میگردد.

به روایت دیگر بر گرفته از نام پرندهای افسانه‌ای بنام "قفنوس" است و تفصیر فلسفی و تاریخی و ادبی از آن به این معنی بیان شده که "یعنی يك دوره‌ای را پشت سر گذاشتن و به زوال رسیدن و سپس وارد شدن به عصری جدید و نو". تفصیر اول، یعنی سالگرد اقدام پدر بزرگ ولیعهد علیه قاجار، برای اپوزیونی که شغل و سیاستش دست بدست کردن قدرت از بالا و کودتاه و همراهی این و آن دولت و غیره میباشد، معنی زمینی و سیاسی واقعی تری دارد. از این جهت انتخاب چنین اسمی کاملا سیاسی و مختص به یک سیستم و طبقه معین در تاریخ ایران است. اما داستان پرنده "قفنوس" هیچ ربطی به سیاست دست راستی سلطنت طلبان و نقش امثال رضا پهلوی ندارد، چرا که نه تنها هیچ دوره ای را پشت سر نمیگذارند و به زوال نمی رسند، و از نو شروع نمیکنند، بلکه در اوضاع جدید و در پوشش جدید تری همان گذشته ارتجاعی را و همان منفعت شونیستی یک طبقه معین سرمایه داری را، از دوره پدر بزرگ تا پدرش، و حتی بخش زیادی از سیاست و عملکرد جمهوری اسلامی و تاکنونی شخص خودش را امروز نیز نمایندگی کرده و اما به نرخ "حقوق بشر" و دمکراتیک" و به اسم "نوآوری" عوامفریبانه دارد به فروش میرساند.

۱- کنفرانس اعلام موجودیت "قفنوس" در امریکا:

" قفنوس" را یک پروژه غیر سیاسی معرفی کردند!، اما حتی نفس انتخاب نام "قفنوس" نیز یک انتخاب سیاسی است. به روایتی ریشه در "انحلال سلطنت قاجار بدست رضا شاه" دارد.

رضا پهلوی، که تنها هویت و برنامه و افتخار و تاریخ مبارزاتی اش فقط "فرزند محمد رضا شاه" بودنش است، که با ردیف کردن دروغهای شاخدار در باره خودش و بی طرفی اش، و اینکه "دغدغه" او " فقط مردم" و "میهن" میباشد، توانسته به همت

ادامه

<p>نه شاد نه شیخ، نه قومی نه مذهبی، نه ملی اسلامی ها، نه فدرالیست چی ها، نه اسلام مجاهدینی، نه سیستم رعیت پروری پادشاهی، مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد سوسیالیسم! زنده باد آزادی، برابری، حکومت کارگری!</p>	<p>ما فقط برای یک پیروزی سوسیالیستی مبارزه میکنیم!</p> <p>بدون پیروزی سوسیالیسم هیچ اعتراض و "انقلابی" به نفع طبقه کارگر و اکثریت جامعه تمام نخواهد شد!</p> <p>سلام زیجی S_zijji@yahoo.se</p>	<p>کارگران، زنان، جوانان، مردم مبارز و تشنه آزادی و برابری!</p> <p>برای رسیدن به اهداف خود به صف کارگران و سوسیالیستها، و به حزب سوسیالیست انقلابی ایران بپیوندید! این حزب، حزب شما است! حزب سوسیالیست انقلابی را به جامعه معرفی کنید و در حمایت از آن در شکل محافل و دستجات مختلف خود را سازمان بدهید، خود را با رهبری حزب هماهنگ کنید، و بطور منظم با ما در تماس باشید. iransocialist2017@gmail.com.</p>
--	--	---

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

ارتجاع ارتجاع میزاید...

در روز روشن همه را رعیت حساب میکنند و بدون شرم دروغ تحویل مخاطبین میدهند. با این همه ادعاهای کذب و دروغهای شاخدار، چگونه میتوان حتی نماینده دست راستی ترین نیروی اپوزسیون و بورژوازی ایران را کرد؟! هر چند پول و سرمایه و قدرت و سرکوب و فریب همه، سیاست و اخلاق هر دولت و نیروی بورژوائی است، اما جناب پهلوی شما که هنوز دستتان به جانی بند نیست، پس بر خوداری از حداقلی از اخلاق و صداقت و بیان حقایق برای پروژه خودتان هم لازم است که رعایت بفرمائید!

در هر صورت بنظر من جامعه‌ای که خواهان رهائی از جنگ سیستم بردگی حکومت فاشیست اسلامی است، نباید و نمیتواند گول همان شیدان سیاسی و رشکسته‌ی بخورد که یکبار به درست با قیام کارگران و مردم آزاده از تخت و تاج و سرکوب و ساواک و ناخن کشیدن‌ها به زیر کشیده شدند و به رعیت شدن خود تحت بازگشت "شاه" رضایت بدهند. طبقه کارگر و جنبش سوسیالیستی در ایران با تمام قدرت و متکی به صف روشن طبقاتی و متحدانه خود باید و میتواند برای سرنگونی کلیت طبقه سرمایه داران و دولت اسلامی آن مبارزه کند و هرگز اجازه نخواهد داد یکبار دیگر تاریخ ناکام سال ۵۷ تکرار گردد. طبقه ما اجازه نخواهد داد نظام پادشاهی چه مرده و چه زنده به حاکمیت در ایران بازگردد! اجازه نخواهد داد فرزند مفتخور همین شاه مستبد دوباره با جمهوری اسلامی تخت و تاج و امامه عوض کند و رونمایی جانشین شدن جمهوری اسلامی را به واقعیت تبدیل کند. ما کارگران و شهروندان آزادیخواه ایران باید تاریخ ننگین هر دو نظام جنایتکار پادشاهی و اسلامی را برای همیشه از زندگی و سرنوش خود جارو کرد تا بتوانیم در راه آزادی و برابری، رفاه، و تامین امنیت و احترام و حق برابر شهروندی در همه سطوح زندگی سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و اداری گام تعیین کننده برداشت! جز این هیچ راه میانگینی برای رسیدن به رهائی واقعی نیست!

۲- کنفرانس فدرالیسم قومی در شهر هانوفر آلمان:

روز چهارم اسفند ۹۷، کنفرانس مشترکی از جانب ده جریان ناسیونالیست و فدرالیست قومی، که در بین آنها سیهاترین و ضد آزادیخواه ترین نیروی سناریو سیاهی نیز حضور دارد، تحت عنوان بسیار نابجا و نامربوط "همبستگی برای آزادی و برابری" برگزار گردید. آنطوری که خود اعلام کرده اند جریانات شرکت کننده در این کنفرانس عبارت بودند از: "اتحاد دمکراتیک آذربایجان-بیرلیک، جنبش جمهوریخواهان دمکرات و لائیک ایران، حزب تضامن دمکراتیک اهواز، حزب دمکرات کردستان ایران، حزب دمکرات کردستان، حزب کومله کردستان ایران، حزب مردم بلوچستان، سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران، شورای موقت سوسیالیست‌های چپ ایران، کومله زحمتکشان کردستان".

من تردیدی ندارم حتی بخش زیادی از شرکت کنندگان در این کنفرانس نیز بر این واقعیت واقف بودند که نام گذاری "آزادی و برابری" برای کنفرانسی که هدف محوری

میلیاردها دلاری که از دزدیهای پدرش برایش باقی مانده است، و به همت افکار ضد آزادیخواهانه و ملی گرایانه اش، و به همت ضد سوسیالیست و ضد کارگری بودنش، به همت جلب توجه و حمایت هیئت حاکمه امریکا و برخی دیگر از دولتهای بورژوائی، به همت پیروی یک مشت رعیت زن و مرد "مدرن" طرفدار سیستم نر سالاری نظام پادشاهی، و به کمک مدیای نوکر، اکنون توانسته به عنوان "آلترناتیو" خود گمارده، موقعیتی برای خود دست و پا نماید. این عنصر "مفتخر به مذهب شیعه" و ادامه دهنده بدون چون و چرای افکار شونیستی و سیستم جنایتکارانه نظام مخوف، "شاه سایه خدا"، جلو افتاده تا یکبار دیگر، درست مانند سناریو شکل دادن به خمینی از جانب امریکا و غرب، اینبار ایشان همین نقش را بر عهده بگیرند، و "ایران را پس بگیرند". برای پس گرفتن "ایران"، در حقیقت منظورشان پس گرفتن قدرت سیستم مدرن بورژوائی هار و ضد کارگری ایران با پرچم و دماغ گندگی شونیسم و در سایه "شاه نوین" و در باب دریای خزر و خلیج فارس و سرود فاشیستی "ای ایران" و "حفظ تمامیت ارضی" شان کاری بکنند، نه بر گرداندن حرمت و آزادی و ارزش انسانی از دست رفته‌ها میلیون انسان بدست دو رژیم جنایتکار شاهنشاهی و اسلامی!

طبعا در این راه نیز همه ارگانهای آدمکش و منفور از جمله سپاه پاسداران را نیز قلبا و عقیدتا متعلق به خود و "مهین" اش میداند و میخواهد بدین ترتیب نقش کلیدی در ممانعت از پیروزی کارگر و کمونیزم در ایران بر عهده بگیرند، درست مانند خمینی! در این راه نیز با بسیاری از نیروهای دست راستی از جمله حتی فدالیست چی‌ها، و "قوم‌های" دیگر نیز حاضر به همکاری و قول دادن به امتیاز دادن و غیره نیز هست. اما دم خروس دو دوزه بازی این "ولیعده" نر بازمانده خاندان پهلوی جلا و منفور از تک تک سیاستهای مدت‌ها است زده بیرون. "فرشگرد" این عالی جناب با شعار علیه "ارتجاع سیاه و سرخ" متولد شد، طبعا با سیاه که خود محمد رضا شاه و ولیعهد به آن تعلق مذهبی و جنبشی دارند پلتیک میزنند، اما علیه سرخ بودنشان جای هیچ تردیدی نیست! چرا که شاه جنایتکار نیز همین سیاست و خصلت ضد انقلابی را داشت. این شاه خود گمارده که مردم را هنوز رعیت تلقی کرده است، اخیرا بعد از برگزاری انواع "کنگره ملی ایرانیان" و "فرشگرد" و غیره که با ناکامی روبرو گردید، در شکل بسیار عوام‌فریبانه تر و اما "تخصصی" تر وارد میدان سیاست و آلترناتیو سازی شده اند. یک تعداد "نخبه متخصص" که گویا "غیر سیاسی" هم هستند و "تعلق سیاسی به هیچ فرد و جریانی هم ندارند"، فقط بخاطر کمک به "مهین" شان گرد هم آمده اند، تا در سایه "پسر شاه" و "بطور علمی تر"، راه پیشرفت کشور را هموار سازند! جالب است که در جریان این "کنفرانس علمی" هم بارها اعلام کردند که هدفشان سیاسی نیست!، و کاملا "مستقل است"، ولیعهد اگر چه "بنابینگزارش" است، اگر چه "افتتاح کننده کنفرانس بوده، اما باز هم مدعی اند که "مستقل هستیم". برخورد اینها به شهروندان و مخاطبین شان سر سوزنی با شیوه خمینی و خامنه ای و دیگر جنایتکاران حاکم دو نظام پادشاهی و اسلامی ندارند! آشکارا و

ادامه

نه به تحریم اقتصادی، نه به امریکا، نه به جمهوری اسلامی!

ارتجاع ارتجاع میزاید...



"فدرالیسم قومی"، تقسیم جامعه و انسانها بر اساس قوم و ملیت و گروه خون شهروندان است! و این دقیقا آن هدف و خطر واقعی است که تعدادی مرتجع زانده شده دست نظام حاکمیت جمهوری اسلامی و پادشاهی و امید بسته به امثال آقای ترامپ فاشیست و هیئت حاکمه امریکا امروز در قالب ملت و خاک و میهن سر و صدا راه انداخته اند. و نباید هیچ تردیدی داشت بنیاد سیاستهای شونیستی و ناسیونالیستی دو قولی فاشیسم مذهبی و حاکمی اسلامی اند و همه به یک طبقه ظالم و جنایتکار و پیرانگر تعلق دارند، لذا از این کاتالها هیچ انسانی به انسانیت و حق خود از جمله به رفع ستم ملی هم نائل نخواهد آمد!

چه باید کرد؟

در اینجا از نقد همه جانبه طرح فدرالیسم پرهیز میکنم، اما خوانندگان گرامی را به مطالعه مقاله پیشتر خود در این رابطه، که در همین شماره ۹۰ نشریه سوسیالیسم امروز باز نشر شده است، ارجاع میدهم. اما آنچه که قابل توجه همه باید باشد موضوع مهم الترناتیوسازیهای بسیار خطرناکی است که در سطح بخشهای از اپوزسیون، و از جمله همین بخش از اپوزسیون شونیست فارس و سلطنت طلبان و دیگر نیروهای خود گمارده نماینده "اقلیت های ملی" در ایران است، که با تپ و تاپ امثال ترامپ، دامنه فعالیتهای آنها نیز متغیر میگردد. نباید این روند و رویدادها را دست کم گرفت! اینها آتش زیر خاکسترند، خاکستری که جرقه آتش و خونریزی و ویرانگری جدی میتواند به همراه داشته باشد. باروت اینها را ارتجاع دولتهای بورژوائی، منافع حقیقر رهبران بورژوا و ماداملعمر و شاهنشاهی، و منفعت کور و عقب مانده بورژوازی "ستم دیده ملی" شان تامین میکنند. بطور واقعی خطرناک و مخاطره آمیزند و بخش اعظم آنها ظرفیت تبدیل شدن به آلت دست و مزدوری هر دولت ارتجاعی از جمله دولت امریکا را دارند، باید آنها را به این اعتبار به عنوان ابزار و یکی از فاکتورهای سناریو سیاهی جدی تلقی کرد. اگر هوشیار نباشیم، اگر نیرو و

← ادامه

آن در حقیقت امتیاز گیری از دولت و شراکت در قدرت دولتی بعنوان بورژوازی "ملت خود"، از راه تشدید نظام و نفرت قومی بین شهروندان است، نشستن زیر چنین اسم و بانر و شعاری یک اقدام بسیار نابجا و نامربوط به اصل پروژه شان است. به سائز شان نمی خورد، فریبکارانه و پلنیک زدن است.

آرمان و پرچم آزادی و برابری دو واژه مقدس برای کسب آزادی و برابری در همه شئون زندگی از جمله برای تحقق یک نظام عاری از ستم و استثمار، پایان دادن به حاکمیت یک اقلیت مفت خور و ظالم سرمایه دار، تحقق جامعه ای مبتنی بر حق شهروندی برابر و مستقل از خرافات ملی گرایانه، مذهبی، خاک و ملت و میهن پرستی است. کدامیک از شما به این آزادی و برابری تعلق دارید؟ چرا عوامفریبی میکنید؟ حداقل بخشی از همین نیروهای شرکت کننده از جمله در کردستان و آذر بایجان خاک قریب به "ده شهر مشترک" را از آن "ملت خود" دانسته و اعلام کرده اند. روشن است که اگر اوضاع بنا به میل آنها بچرخد حتما برای تعیین تکلیف سرنوشت این "ده شهر مشترک" جنایت می آفرینند. آیا نیروی که با چنین سیاستی وارد "اتحادهای" تحت پوشش آزادی و برابری میشود، قبل از هر کسی سر خود کلاه نگذاشته است؟ تصور میکنند با این شگردها میتوانند نرخ و مقبولیت پرچم عمیقاً ارتجاعی و خونین فدرالیسم قومی و ضد انسانی شان را در انظار عمومی به فروش برسانند! کلاهبرداری سیاسی هم حد و مرزی باید داشته باشد!، شما چرا به اسم واقعی و اما خرافاتی طبقه بورژوائی خودتان به اسم "ملی و فدرالیسم قومی" خود رک و پوست کنده سخن نمیگوئید و اتحاد نمیکنید و کنفرانس برگزار نمیکنید؟

سیاست و تلاش این نیروها آن سوی سکه شونیستهای فارس به رهبری رضا پهلوی و کنفرانس "قفنوس" و به استقبال تعمیق یک نزاع بسیار خطرناک ناسیونالیستی و فاشیستی رفتن است، به استقبال جنگی رفتن است که اگر اوضاع دست اینها بیفتد جدال بی پایان شونیسیسم عرب و ناسیونالیسیسم کورد و ترک که برای مسائل "ملی و خاک" مانند، "کرکوک" در کردستان عراق که چند نسل است تداوم یافته و در دوهه اخیر نیز جنایتهای زیادی صورت گرفته است، در ایران به یک فاجعه و مشکل به مراتب عظیم تر تبدیل خواهد شد. نباید به استقبال این جنایت رفت! همانطوری که ادعای شونیستی و تمامیت ارضی، پوچ و ضد انسانی است و باید جلوش را گرفت و افشا و طرد شوند، ادعاهای ناسیونالیستی و نژاد پرستانه "حق ملت من" و دعوا بر سر خاک و نژاد و غیره نیز پوچ و ضد انسانی است و باید جلو اینرا هم گرفت. هیچ سطحی از رفع ستم و یا تحقق آزادی با این سیاستها و از این طریقها هرگز حل و فصل و متحقق نشده است! اگر کسی ادعای غیر از این دارد لطفا پاسخ روشن بدهد؟ گذاشتن عنوان آزادی و برابری، روی پروژه و آینده ای، که آزادی و آینده انسانها را به نابودی و نفرت و جنگ میکشاند، اوج نامسئول بودن و شیادی سیاسی بیش نیست! همه می دانیم که طرح و هدف شرکت کنندگان در کنفرانس هانوفر آلمان

آزادی، برابری، رفاه، امنیت!

ارتجاع ارتجاع میزاید...

صف قدرتمند سیاسی، کارگری، توده ای و مسلحانه انقلابی در جامعه ایران سرسوسامان نگیرد، اگر از هم اکنون جامعه در مقابله شان صف آرایی نکند، اینها، هر دو بخش نیروهای راست شونیست و ناسیونالیست به همراه نیروهای مذهبی و از جمله مجاهدین، و با نقش سناریو سیاهی و آدمکشی خود رژیم اسلامی و دولت امریکا و همیالگپایشان هزار بار وحشتناکتر از حکومت فاشیست ایران میتوانند آن جامعه را به قهقرا سوق بدهند. شونیسم فارس به همراه

ناسیونالیسم مرتجع کورد و ترک و عرب و بلوچ و غیره در کنار بازماندگان جمهوری اسلامی میتوانند چنان سناریو سیاهی، چنان جنگ و خونریزی به جامعه ۸۰ میلیونی ایران تحمیل کنند که رویداد عراق و سوریه و یمن و افغانستان در مقایسه با آن یک بازی کودکانه تصور شود. تنها تفاوت بنیادی و مبنای جدال و جنگ شونیسم حاکم در یکصد سال اخیر با ناسیونالیسم منتسب به اقوام دیگر فقط در زورگونی و سرکوب حکومتهای حاکم شونیسم فارس یا اسلامی علیه بقیه بوده است، در این بوده که بورژوازی اقلیتهای تحت حاکمیت خود به اندازه کافی در قدرت اقتصادی، دولتی و غیره شراکت داده نشده اند، هر جا گامی در این راستا برداشته شده است، عرق ملی و جدالها هم کاش پیدا کرده است. اما اشتراکاتشان بسیار گسترده است، از جمله: هر دو، متعلق به طبقه سرمایه دارند، هر دو ضد کارگری و ضد کمونیستی هستند، هر دو مردسالارند، هر دو مخالف آزادی بدون قید و شرط فعالیت سیاسی اند، هر دو طرفدار زندان و شکنجه و ترور

و داشتن نیروی حرفه‌ای و سرکوبند، هر دو در صورت قدرت گیری مستبد و ظالم و دیکتاتورند، هر دو حتی در اپوزسیون هم در صفوفشان آزادی و برابری معنی ندارد، یکی شاه است و بقیه رعیت. آنها در عمل همانگونه عمل میکنند که رژیم شاه و جمهوری اسلامی عمل کرد اند.

تا زمانی که برای پاسخ دادن به مسائل و معضلات جامعه از جمله برای حل اصولی و انسانی ستم ملی از یکسو با ابزار شونیستی و تمامیت ارضی خواهی و اتکا به زبان تفنگ و ارتش و سپاه و زندان "نفهمیدن چگونگی عملی شدن زبان مادری در ایران" به معضل دیرینه اجتماعی در کشور رفتار شود، و تا زمانی از سوی دیگر با تعمیق نفرت ملی و ناسیونالیستی علیه همه شهروندان "فارس"، "ترک"، "کورد"، "عرب" و بقیه در قالب "مبارزه ملی" سیاست و حزب و جنگ مسلحانه و غیره در جریان باشد، تا زمانی که فریبکارانه همه مسائل مربوط به زندگی ده‌ها میلیون انسان را همواره "مسئله ملی" تصویر و شیپور زد، و در مقابل انکار معضلاتی بود که هزار برابر جان سخت تر طبقاتی و اجتماعی و عینی تر در همان منطقه ای که ستم ملی، تنها یک بخشی از ستم میباشد، بخورد جامعه داده شود و تا زمانی که نیروهای سوسیالیست و کارگری و طرفداران

برابری زن و مرد و مدافعین آزادی و برابری و فعالیت بدون قید و شرط سیاسی از سوی هم دولت حاکم جنایتکار و هم شونیست فارس، هم ناسیونالیسم "ملت پائین دست" مورد فشار و سرکوب و ترور و تحقیق فرار بگیرد، تا زمانی که حتی برای حل نفس ستم ملی به جای همبستگی و هم سرنوشتی با همه شهروندان کشور، مستقل از مذهب و نژاد و ملیت و جنسیت، علیه کلیت حاکمیت سرکوبگر تلاش مشترک صورت نگیرد، نسل بعداز نسل همچنان شاهد اوضاع ناهنجار کنونی، تداوم حاکمیت جنایتکار سرمایه داری، چه در قالب مذهب و چه ملی گرای و همچنین وجود اپوزسیون

بورژوازی بیرون رانده از قدرت دولتی خواهیم بود و آنها نیز به اسم ملت و زبان مادری و فدرالیسم و خاک و استقلال و غیره بر طبل عقب ماندگی خود میکوبند و مانند حاکمیت و دیگر جنایتکاران به کارگران و کمونیستها و آزادی و برابری برخورد می نمایند.

ارتجاع ارتجاع می زاید! نیروهای که امروز با پرچم خونین و ضد انسانی شونیستی، ناسیونالیستی و فاشیستی و مذهبی حتی در سطح "اپوزسیون" شاهدش هستیم محصول مستقیم همین جوامع ضد انسانی حاکم سرمایه داری هستند. اینها محصول حاکمیت و کشمکش یک مشت دولت جنایتکار و شیاد و دزد و نمایندگان جهان ظالمانه سرمایه داری اند، که در پوشش خرافات دین و خدا و ملت و میهن و نژاد و غیره مردم را فریب میدهند و در تلاش برای گرفتن سهم سرمایه دارانه خود از این دولتها و جهان حاکم هستند. از سوی افسارشان در دست امثال خامنه ای و اسد و پوتین و اردوغانها، و از سوی دیگر در دست شارلاتانهای مانند ترامپ و هئیت حاکمه امریکا و عربستان و اسرائیل و

غیره قرار دارد. جریان شونیسم ایرانی و ناسیونالیستهای قومگرای فدرالیست چپها در این میدان ارتجاعی دارند نقش ایفا مینمایند و به دنبال سهم خواهی خود هستند. هیچیک از این جریانها ربطی به آزادی، برابری، رفاه و سعادت جامعه از جمله شهروندان "کرد" و "فارس" و "ترک" و "عرب" زبان ندارند.

هم کنفرانس "قفنوس" شونیستها و هم کنفرانس "فدرالیسم" ناسیونالیستها ربطی به آزادی و پیروزی مبارزات آزادیخواهانه بر جمهوری اسلامی ندارد. هر دو بورژوازی-ملی گرایانه و نقش مثبتی در روند سرنوشتی آزادیخواهانه و انقلابی حکومت فاشیست اسلامی نداشته و نخواهند داشت. بر عکس، هر دو به شدت سد راه پیروزی کارگر و کمونیسم و آزادی و برابری و خوشبختی شهروندان هستند. راه پیروزی واقعی کارگران، زنان، جوانان، سوسیالیستها و صف آزادیخواهی و برابری طلبی در ایران، و حتی راه شهروندانی که میخواهند به ستم ملی در این و آن گوشه کشور پایان بدهند، تنها پیوستند به سیاست و راه حل سوسیالیستی از جمله در برخورد به روند سرنوشتی کامل جمهوری اسلامی، با اتکا به خود، نه به امریکا و پوتین و شیوخ حاشیه خلیج فارس و یا شاخه های از خود جمهوری اسلامی بودن، و تلاش متحدانه برای استقرار یک نظام سوسیالیستی است.

بر قرار باد جمهوری سوسیالیستی!



شرکت هیئت زنان حزب سوسیالیست انقلابی ایران در کنفرانس سالانه اتحادیه زنان کردستان با سپانسوری "سازمان آرام" در سلیمانیه کردستان عراق تاریخ ۷ مارس ۲۰۱۹

کنفرانس سالانه ی اتحادیه ی زنان کردستان که با رقص باله ۴ دختر آغاز شد که یک رقص کاملاً پر معنا در رابطه با منع خشونت علیه زنان بود؛ بعد از اتمام رقص یک فیلم کوتاه درباره ی آگاه سازی زنان از کلاهبرداری هایی که ممکن است به نام عشق گریبان آن ها را بگیرد پخش شد. بخش اصلی کنفرانس که یک گفتگوی دو ساعته در رابطه با زنان با شرکت آنفر از فعالان حقوق زنان که یکی از آن ها مریم افراسیاب پور مسئول تور نتورکینگ سوئد بود که در رابطه با موقعیت زنان در جهان کنونی بحث هایی را ارائه کردند نفر دوم لیلا مسئول لانه آرام که با ارائه یک سری از داده ها و اطلاعات از سال ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۹ در باره ی کیس هایی که به پناهگاه آن ها از ترس قتل ناموسی پناه آورده اند و شفاف سازی تعداد قتل های به نام شرف در سال های مختلف در اقلیم کردستان که نشان دهنده ی افزایش تعداد قتل ها است. نفر سوم دالان پژوهشگر و دارای ۴ کتاب ثبت شده که وضعیت آماری و نموداری زن را در اقلیم کردستان در یک پاور پوینت که شامل نقش زنان در سیاست اقتصاد و اجتماع به نمایش گذاشت. نفر چهارم عضو مجلس دوره ی قبلی عراق و حقوقدان درباره ی موانع قانونی و ماده ای در مقابل زنان مباحثی را ارائه داد. دو نفر آخر نماینده ی.پ.ژ که در باره ی سختی هایی که زنان به طور کلی در جنگ متحمل میشوند و در جنگ تا چه حد خشونت ها افزایش می یابد و توضیح وضعیت زنان در عفرین و خواستار توجه جامعه ی جهانی به کار های غیر قانونی که در عفرین انجام میشود. بعد از اتمام گفتگوی هیئت در بخش پرسش و پاسخ تینا خلیفه ای عضو بخش زنان حزب سوسیالیست انقلابی انتقاداتی را به سخنان هیئت اصلی وارد کرد و خواست به جای آکاره و داده؛ پروژه و پلاتفورم ارائه دهند. دو شبکه به نام های آریان تی وی و زنان تی وی خواهان مصاحبه با تینا خلیفه ای درباره ی وضعیت زنان در ایران و راه حل احتمالی حزب سوسیالیست انقلابی با شبکه خود شدند و این مصاحبه ها صورت گرفت و پخش شدند.

مرکز خبری حزب سوسیالیست انقلابی ایران
۸ مارس ۲۰۱۹



بعد از ۴۰ سال تجربه شکست و تحمل زندگی بردگی زیر سایه حاکمیت سیاه جمهوری اسلامی، اکنون برای ممانعت از تکرار یک شکست بزرگ دیگر، برای به پیروزی رساندن جنبش آزادیخواهی و برابری و دست یافتن به یک نظام آزاد و برابر و سوسیالیستی، راهی بجز تامین صف مستقل طبقاتی جنبشمان، پیوستن به حزب سوسیالیست انقلابی، انتخاب سیاستهای آن، ایجاد احزاب مشابه، و همچنین در پیش گرفتن یک سیاست اصولی تر و مستقل تر کارگری- سوسیالیستی از جانب دیگر نیروهای چپ اپوزسیون، پیش روی طبقه کارگر و جامعه قرار ندارد!

ایجاد تشکلهای کارگری مستقل از دولت یک ضرورت مبرم کارگران!

فدرالیسم، طرحی ارتجاعی برای سهم شدن در قدرت دولتی نه پاسخی به "معضلات ملی"!

سلام زیجی



دوباره صدای طبل ارتجاع فدرالیسم قومی در هم نوائی با شیپور صف مرتجعین" دفاع از تمامیت ارضی کشور" بگوش میرسد. دوباره تحرک نیروهای را میبینیم که اگر بعد از جمهوری اسلامی در هر شکلی به قدرت برسند، همان حاصل بی حاصلی را تجربه خواهیم کرد که بعد از سرنگونی استبداد شاهنشاهی، "الترناتیو" فاشیسم جمهوری اسلامی را تجربه نمودیم.

دوباره صدای طبل ارتجاع فدرالیسم قومی در هم نوائی با شیپور صف مرتجعین" دفاع از تمامیت ارضی کشور" بگوش میرسد. دوباره تحرک نیروهای را میبینیم که اگر بعد از جمهوری اسلامی در هر شکلی به قدرت برسند، همان حاصل بی حاصلی را تجربه خواهیم کرد که بعد از سرنگونی استبداد شاهنشاهی، "الترناتیو" فاشیسم جمهوری اسلامی را تجربه نمودیم.

دوباره صدای طبل ارتجاع فدرالیسم قومی در هم نوائی با شیپور صف مرتجعین" دفاع از تمامیت ارضی کشور" بگوش میرسد. دوباره تحرک نیروهای را میبینیم که اگر بعد از جمهوری اسلامی در هر شکلی به قدرت برسند، همان حاصل بی حاصلی را تجربه خواهیم کرد که بعد از سرنگونی استبداد شاهنشاهی، "الترناتیو" فاشیسم جمهوری اسلامی را تجربه نمودیم.

رهبان قومپرستی که بر روی احساسات عقب مانده و کم

اطلاعی بخشی از جامعه سرمایه گذاری میکنند به جای انگشت گذاشتن روی تجربه های که در منطقه از جمله عراق و ایران شده همه شاهدش هستند، برای توجیهای عوامفربانه خود پناه میبرند. به نمونه های کاملاً نامربوط و بی ربط به کشمکشهای که از سر نفرت قومی و مذهبی میخوانند به آن قالب فدرالیسم بدهند، متوصل میگردند. اینها از سفسطه بازی خسته نمیشوند و هر بار از تجربه امریکا، آلمان یا "فرانسویان" کاندایا، یا هند اسم میبرند. دقیقاً شبیه شگرد فریبکارانه سلطنت طلبانی که دوباره خواهان حاکمیت شاهانه شان هستند و دوباره به دنبال رعیت کردن مردمن در قالب "دمکراسی شاهنشاهی" برای ما نمونه سوئد و انگلیس و غیره می آورند تا ما راضی شویم آنها دوباره برگردند، و بیابند زندگی مفت خوری و مجلل شاهانه شان را بر پا نمایند. در حالی که نه سیستم قرون وسطی شاهنشاهی و نه سیستم فدرالی واقعی شبیه نمونه های بی ربطی که آنها ادعایش را دارند نیست! بلکه دقیقاً شبیه همان واقعیتی است که جامعه ایران یا خود تجربه کرده یا در عراق و عربستان و سوریه و لیبی و لبنان و در حوالی شیوخ خلیج فارس مردم دارند تجربه میکنند. از اینرو نباید سر سوزنی به ادعای "دمکراتیک" هیچیک از طرفداران فدرالیسم قومی و سلطنت طلبی اعتنا و اعتماد کرد! اینها دو روی یک سکه اند!

شروع مجدد هیاهوی فدرالیست چی ها به دلیل امید بستن آنها به اهداف ضد انقلابی و هذیان گویی دولت امریکا و ترامپ بعد از خروج از "برجام" است. رهبران این جریانات مانند همه دوران زندگی سیاسی خود نه متکی به قابلیت مبارزه جویی و انقلابیگری جامعه علیه جمهوری اسلامی که از کانال تبدیل شدن به مزدور و حامی این و آن دولت و آویزان شدن به کشمکش های بین المللی و فشارهای که به جمهوری اسلامی در سایه وزارت خارجه امریکا و عربستان و غیره صورت می پذیرد در صدد الترناتیو سازی و سناریوسازیهای خود هستند. چنین روند و سیاستی هیچ فرقی با سناریوی که سال ۵۷ از سوی همین هیئت حاکمه امریکا به ما انقلاب کنندگان تحمیل گردیدو خمینی و اسلامش را به "رهبر انقلاب" تبدیل کردند، ندارد. در صورت موفقیت آنها در تحمیل سیاستهایشان میتوانند در این دوره نیز چند "رهبر" دلقک دیگر مشابه خمینی جلاد، اینبار در لباس "ملی گرانی، را نیز به "رهبر ایران" تبدیل کنند. سه عنصر اصلی، پول و مادیات مفت و وجود چند جریان و یا یک مشت انسان مرتجع و سرمایه دار و عقب مانده ابزارهای شکل دادن به چنین الترناتیوهای هستند، که بنظر من در فضای سیاسی امروز ایران چنین مسیری در خلا جدی که جنبش سوسیالیستی و چپ هنوز در جامعه بجا گذاشته است، چنانچه به سرعت این خلا را پر نکند، دور از انتظار نیست.

ادامه ←

بنا به مقاصد سیاسی-اقتصادی و صدور "دمکراسی"، درست مانند نتیجه ای که در عراق و لیبی و سوریه و ... شاهد زنده اش هستیم، هر گاه دانه های از سوئی هئیت حاکمه امریکا برای اپوزسیون دست راستی ایران، ملی و اسلامی، تاج دار و بی تاج، لچکدار و بدون لچک، شوینیسیم فارس یا ناسیونالیستها و قومپرستان ترک و کرد و عرب و ... در جلو کاخ سفید ریخته میشود، ما صافی از سران "دمکراسی طلب" این دو طیف را خواهیم دید که لنگان لنگان بسوی خوردن آن دانه ها در حال مسابقه دادن هستند. به این نوع سیاست کردن فاسد و ضد مردمی هم اسم "دیپلماسی" و "گرفتن حمایت جهانی" گذاشته اند. هر فرد و نیروی که برآستی برای آینده بهتری برای جامعه ایران تلاش میکند نمیتواند به تکاپوی این دارو دستهای نوکرسفت و حامی همان سیستمی که جمهوری اسلامی چهل سال است با چنگ و دندان از آن حراست می نماید، بی تفاوت باشد. این تکاپوها مخاطراتی به اندازه خود جمهوری خونین اسلامی برای جامعه ایران به ارمغان خواهد آورد چنانچه در مقابلشان سکوت و تمکین اختیار نمائیم.

واقعیت این است که "راه حل فدرالیسم" هیچ فرقی با راه حلهای تا کنونی جمهوری اسلامی یا راه حلهای شاهنشاهی و تمامیت ارضی خواهان در برخورد به حل ساده معضل واقعی ستم ملی ندارد. نه از این زاویه که هر سه دسته ارتجاعی، ضد مردمی، و متعلق به سه جنبش بورژوا ارتجاعی اسلامی، شوینیسیم فارس و ناسیونالیسم "تحت ستم" یا اپوزسیون بورژوا ناسیونالیست "ملیتهای مختلف هستند. بلکه فراتر و پر معضل تر از آنها از کانال شگرد فدرالیسم نه تنها "حقوق ملی" هیچ "ملت"ی تامین نمیگردد، بلکه نفس کشمکش ملی هرگز پایان نخواهد یافت، به یک معنی نسخه ای برای ازلی و ابدی کردن این ستم و کشمکش در جهت منفعت زورگویان، طبقه سرمایه دار و کلیه ناسیونالیستهای درگیر است. به علاوه از نظر من پذیرش طرح فدرالیسم، حال در شکل ادعای فریبنده "فدراتیو و دمکراتیک" آن نیز، به استقبال تعمیق یک کشمش خونین بی انتها در جامعه ایران رفتن است! کشمکشی که جز یک مشت سرمایه دار و شیاد سیاسی که در راس احزاب و جنبش بورژوا ملی اسلامی ها و خود دولت مرکزی قرار دارند هیچ فرد و جنبش آزادیخواه و مترقی از آن نفع نمیبرد.

نه شاه نه شیخ!، نه قومی نه مذهبی! مرگ بر جمهوری اسلامی!

فدرالیسم، طرحی ارتجاعی برای...

در هر صورت باید مجدداً تاکید کرد که برآستی فدرالیسم راه حل پایان دادن به هیچ ستمی از جمله ستم ملی نیست! بلکه راه حل بورژوازی و جنبش های ناسیونالیستی است تا از بقا و تداوم آن ستم بهره ببرند. فدرالیسم راه ابدی کردن هویت ملی و نفاق بر مبنای این هویت کاذب است. راهی است برای آنها به مثابه نمایندگان سیاسی و منحزب طبقه بورژوا با هدف دستیابی و سهم بری در قدرت سیاسی- اقتصادی - اداری و اعمال حاکمیت تحت عنوان "ملت خودی". اما تا امروز هم خوشبختانه با وجود همه این تلاشها و پروپاگاندا که دارودسته های مختلف سرمایه داران به خرج داده اند، فدرالیسم خواست مطرح در جامعه ایران و هیچ بخشی در ایران نیست. ما در میان مردم آزادیخواه ایران و دیگر مناطق تحت ستم ملی شاهد دهها خواست و مطالبه انقلابی و انسانی هستیم اما هنوز جا پائی از خواست فدرالیسم را نمی بینیم و این میتواند اساس شکست و پوچی برنامه های قوم پرستان ریز و درشت ناسیونالیسم و طرح ارتجاعی فدرالی را توضیح دهد. در عین حال باید هوشیار بود، هنوز این واقعیت اجتماعی بطور خود بخود جامعه را در مقابل خطر ویروس فدرالیسم و اکسپنه نمیکند، باید آگاهی بیشتری داد، باید نیروهای انقلابی و مردم آزادیخواها از جمله طبقه کارگر و جنبش سوسیالیستی در مقابلش با قدرت به مقابله برخیزد.

نبايد اجازه داد بخاطر خلاصی از لجن کثیف اسلام و جمهوری اسلامی به لجن کثیف ملی گر ایانه فدرالیستها و شوسینیسستها افتاد، نبايد اجازه داد مردم آزادیخواه ایران که قریب به چهل سال است علیه یک حکومت فاشیست اسلامی مبارزه میکنند تا به آزادی و برابری واقعی نائل گردند، آن بخش عظیمی از مردم آزادیخواه که خرافه دینی و ملی گرای نتوانسته مانع اتحاد و شور مبارزاتی آنها گردد و در ابعاد میلیونی نه تنها زندگی مشترک و خانوادگی در اقص نقاط کشور دارند، که زندگی مبارزاتی- سیاسی و منافع مشترک آنها علیه دو حکومت پهلوی و اسلامی به هویت آزادیخواهانه آنها تبدیل شده است، آنهم بعد از این همه تجربه منفی و ضد انسانی در منطقه به این سادگی به این تاریخ مبارزاتی مشترک خود پشت کنند و به طرح ارتجاعی و خونین و نفرت آور فدرالیسم روی آورند و علیه هموعان خود نفرت و تفنگ و تفرقه را جایگزین همسرنوشتی تا کنونی خود نمایند. اگر طبقه کارگر و راه حل سوسیالیستی ما و جنبش آزادیخواهانه به خطر شیوع این سموم به درستی پی نبرد، اگر نیروهای طرفدار فدرالیسم طرد و منزوی تر نکنیم، اگر با قدرت خود را برای مقابله با آن آماده ننمائیم، چنین خطری، که جمهوری اسلامی نیز یک پایه ثابت آن خواهد بود، میتواند به جامعه ما تحمیل شود و جنگ و خونریزی و سناریو سیاه بی پایانی را به ما تحمیل نمایند.

طرح ارتجاعی فدرالیسم (فدرالیسم بر مبنای مذهب و قوم و نژاد) ما حاصل سیاستهای امریکا برای رسیدن به اهداف خود و به کنترل در آوردن منابع کشور های مورد نظرش است که به عنوان سم بعد از جنگ خلیج و حمله به عراق وارد فضا سیاسی منطقه کردند و کلیه نیروهای قومی و اسلامی را در این راستا فعال نمودند. در چنین طرحی نه تنها قومگرایی که اسلامی گری نیز به

جان مردم انداخته شد. جامعه نسبتاً متحد دیروزی که برای آزادی و رفا و مقابله با استبداد دست در دست همدیگر داشتند با یاشاندن خون از جانب یک مشت موجب بگیر قومی یا اسلامی و تولید شناسنامه های ملی و اسلامی مردم را به جان هم می اندازند و در این وسط تنها سرمایه داران نفع میبرند و ثروت اندوزی میکنند. در فدرالیسم استثمار و سرکوب طبقه کارگر، ستم بر زن، نبود آزادیهای بدون قید و شرط سیاسی، فقر و بیکاری و دهها ستم و نابرابری که در نظامهای سرمایه داری از جمله در حکومتهای مانند جمهوری اسلامی اعمال شده است نه تنها با برجا خواهد بود بلکه به عنوان ستم مضاعف هم از سوی دولت مرکزی و هم "حکومت فدرال" در محل علیه شهروندان اعمال خواهد شد. خواست های روزمره مردم تحت عنوان "حکومت نو یا فدرال" یا به بهانه کشمکش با حکومت فدرال مرکزی و دعوا بر سر وجب به وجب خاک برای همیشه تداوم خواهد داشت. این آن حساسیت و خطری است که باید آنرا دید و چنین سناریو و طرح ارتجاعی را از هیچ جریان و دولتی نباید پذیرفت و اجازه نداد به جامعه تحمیل کنند. ادعای شراکت همگانی در اداره جامعه و حکومت و این که گویا از راه فدرالیسم "مشکل ملی" و "مشکل اقلیتها"ی جامعه حل خواهد شد دروغهای بزرگ و شاذاری هستند که شایدان سیاسی به منظور رسیدن به مقاصد خود آنرا بخورد طرفداران نامسول چنین سناریوی میدهند.

فدرالیسم طرح ارتجاعی بخشی دیگری از سرمایه داران برای سهم شدن و شراکت در قدرت سیاسی- دولتی - اقتصاد کشور و سهم شدن در کل چپاول و جنایت و استثمار است که امروز تنها بخش شوینیسست و ناسیونالیست غالب و یا اسلامیهای در حاکم آنرا در اختیار دارد. این جنگ و دعوی مرتجعین هیچ ربطی به جنبش کارگری، به جنبش برای آزادی و برابری و خلاصی از دست کلیه این حامیان ریز و درشت سرمایه داری، فارس و کرد و عرب و ترک و زبان، که همه شان حامی زندان و اعدام اند، همه شان مخالف آزادی بدون قید و شرط فعالیت سیاسی اند، همه شان مخالف حکومت کارگران و زحمتکشاند، همه شان مخالف نظام حکومتی و نوع اداره جامعه بر اساس حق برابر انسانی و حق شهروندی اند، همه شان به خرافات دینی و ملی و ناسیونالیستی و نژادی متکی اند، ندارد! از این جهت همراهی کردن چنین طرح و مسیری شبیه خودکشی هر انسان آگاه و آزاده و مدافع حق شهروندی برابر و یکسان برای انسانها است.

ما یکبار دیگر همه آزادیخواهان و مبارزین راستین علیه نظام فاشیست جمهوری اسلامی را فرا میخوانیم تنها و تنها برای آزادی و برابری و یک جامعه سوسیالیستی و سکولار که در آن کلیه شهروندان مستقل از مذهب و ملیت و نژاد و جنسیت واقعا در همه امور کشور بطور برابر سهم بوده و مشارکت داشته باشند تلاش نمایند، از همه میخواهیم الئرناتیو و راحل سوسیالیستی را انتخاب نمایند و به دام ارتجاع شوینیسستی و ناسیونالیستی نه افتند! از همه میخواهیم با طرح ارتجاعی فدرالیسم و تقسیم جامعه بر مبنای هویتهای ارتجاعی ملی و مذهبی به مبارزه قاطع برخیزند! نه به جمهوری اسلامی!، نه به فدرالیسم!، زنده باد سوسیالیسم!

اخبار و گزارشات مهم کارگری و توده‌ای در هفته‌ای که گذشت!

تهیه و تنظیم: عزیز آجیند



این تجمع موجب شد تا قطار تربیت معلم تبریز از حرکت باز ماند و قطار مشهد - تبریز نیز در ورودی سکو متوقف شد و مسافران مجبور شدند در این محل پیاده شوند. این نخستین بار نیست که کارگران راه آهن در ایران اقدام به بستن خط راه آهن می‌کنند. کارگران کارخانه هیکو اراک در

اردیبهشت ماه سالجاری در اعتراض به مشکلات معیشتی و عدم پاسخگویی مسئولان، راه آهن شمال به جنوب در ایران را مسدود کردند. همچنین چهارشنبه ۱۵ اسفند ماه، جمعی از کارگران شرکت راه آهن در چند شهر ایران، بار دیگر دست به اعتصاب زدند. کارگران راه آهن، در شهرهای "مرند، عجب‌شیر و بندرعباس" در اعتراض به چندین ماه حقوق معوقه خود اعتصاب کردند. کارکنان شرکت راه آهن و همچنین کارگران نگهداری خط و ابنیه راه آهن، در دو سال گذشته بارها در اعتراض به پرداخت نشدن مطالباتشان، دست به تجمع زده‌اند که در برخی موارد با بستن ریل راه آهن، همراه بوده است.

صدور حکم سه سال زندان علیه فعال کارگری خالد حسینی

خالد حسینی فعال کارگری و از اعضای کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری، غیابی به سه سال زندان محکوم شد. اتهام این فعال کارگری، اجتماع و تباہی از طریق تبلیغ اعتصاب عمومی در کردستان در اعتراض به اعدام سه جوان زندانی سیاسی، رامین حسین پناهی و زانیار و لقمان مرادی اعلام شده است.

در میان خبرها

ازدواج حدود ششصد هزار کودک در یکسال اخیر در ایران

مشاور معاون حقوقی "قوه قضائیه" رژیم به ازدواج ۵۰۰ تا ۶۰۰ هزار کودک زیر ۱۸ سال در یک سال گذشته اعتراف کرد. آسیب‌های جسمی و روانی ناشی از کودک همسری ضربات جبران‌ناپذیری را بر روی زندگی دختران به‌ویژه بارداری‌های زیر ۱۸ سال، مرگومیر مادران، افسردگی، و بعضاً اقدام به خودکشی در کنار آسیب‌هایی مانند طلاق بازماندن از تحصیل و پایداری چرخه فقر فرهنگی و اقتصادی است.

مضروب شدن زندانیان سیاسی در درگیری زندان شبیان اهواز

مسئولان زندان شبیان اهواز روز یکشنبه ۱۲ اسفند ۹۷ شماری از زندانیان سیاسی معترض این زندان را در محوطه این محل مورد ضرب و شتم قرار داده و به سلول‌های انفرادی منتقل کردند. سه تن از زندانیان در پی این درگیری مصدوم شده و به مرکز درمانی منتقل شدند.

کشته شدن ۲۴ زن در کردستان از مارس ۲۰۱۸ تا مارس ۲۰۱۹

طی سال گذشته دست کم ۲۴ زن در کردستان به دست افراد نزدیک خود کشته شده‌اند که بیشتر این موارد در استان آذربایجان غربی (ارومیه) به ثبت رسیده است. بر طبق این گزارش، ۱۶ مورد این موارد (۶۶٪) به دلیل اختلافات خانوادگی بوده و ۴ مورد از قتلها معادل (۱۷٪) این موارد قتل ناموسی بوده‌اند.

تفکیک بر حسب استان: بیشترین قتل در استان آذربایجان غربی (ارومیه) ثبت شده که طی یک سال گذشته ۱۰ مورد قتل زنان در این استان ثبت شده است. در استان کردستان (سنندج) ۸ مورد، در استان کرمانشاه (کرمانشاه) ۴ مورد و در استان ایلام نیز ۲ مورد قتل زنان به ثبت رسیده شده است.

از مجموع ۲۴ زنی که طی یک سال گذشته کشته شده‌اند، ۱۳ نفر با اسلحه، ۴ نفر با چاقو، ۴ نفر با طناب دار و یک نفر نیز از طریق ضربه با شی سنگین به قتل رسیده‌اند. چگونگی قتل دو زن نیز نامعلوم می‌باشد.

کم سن ترین دختری که سال گذشته به قتل رسیده ۱۰ سال سن داشته و مسن ترین آنها نیز ۵۷ ساله بوده است.

تحصن سه روزه سراسری فرهنگیان آغاز میکنیم:

بنا به فراخوان "شورای هماهنگی تشکل های صنفی فرهنگیان"، معلمان ایران برای پیگیری خواسته ها و مطالبات خود از روز یکشنبه ۱۲ اسفند ۱۳۹۷ به مدت سه روز دست به اعتصاب زدند و در دفاتر مدارس خود تحصن کرده و بدین صورت از رفتن به سر کلاسهای درس خودداری نمودند. بر طبق گزارشهایی که از طرف شورای هماهنگی تشکل های صنفی فرهنگیان و اخبار و تصاویری که در کانال ها و شبکه اجتماعی منتشر شده اند معلمان در استانهای همدان، کرمانشاه، تهران، قزوین، البرز، آذربایجان شرقی، اصفهان، فارس، کردستان، خوزستان؛ خراسان رضوی، گیلان، کرمان، لرستان، خراسان شمالی، مازندران، آذربایجان غربی، اردبیل، ایلام، یزد و در بیش از صد شهر ایران در این اعتصاب سراسری شرکت کرده اند. این اعتصاب و تحصن سراسری سه روزه، بعد از اعتصابات سراسری معلمان در ماههای مهر و آبان سومین موج اعتصاب سراسری است که طی آن معلمان بر خواسته های خود تأکید کرده اند. معلمان و فرهنگیان ایران در این اعتصاب سراسری نیز بر آزادی معلمان زندانی، افزایش حقوقها به بالای خط فقر، تحصیل رایگان، رفع موانع قانونی سر راه فعالیت تشکل های مستقل فرهنگیان، توقف سیاست پولی کردن مدارس، اختصاص بودجه کافی به آموزش و پرورش، پایان دادن به امنیتی کردن مبارزات، همسان سازی حقوق معلمان با شاغلان، داشتن بیمه کارآمد و فراگیر به عنوان محوری ترین خواسته های خود تأکید کردند. بر اساس گزارشات و تصاویر انتشار یافته در برخی از مدارس دانش آموزان با حضور در کلاس های درس خود و با در دست گرفتن تراکت هایی از مطالبات معلمان حمایت و پشتیبانی کرده اند. این اعتصاب سراسری سه روزه در حالی برگزار شد که هم اکنون تعداد زیادی از فعالین معلمان از جمله محمد حبیبی، اسماعیل عبدی، محمود بهشتی لنگرودی، عبدالرضا قنبری، شاه‌محمدی، روح الله مردانی، محمد ثانی و بختیار عالمی هنوز در زندان بسر می برند.

تجمع اعتراضی کارگران شرکت واحد

روز دوشنبه ۱۳ اسفند ماه، با فراخوان سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه، جمعی از کارگران این شرکت، دست به تجمع اعتراضی زدند. کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه، در اعتراض به پایین آمدن هفتاد درصدی قدرت خرید طبقه کارگر و تورم و گرانی، مقابل وزارت کار با سر دادن شعارهایی، تجمع اعتراضی برگزار کرده و با قرائت بیانیه ای در پایان این تجمع خواستار افزایش حداقل دستمزد کارگران تا ۷ میلیون تومان شدند. شایان ذکر است، در این تجمع اعتراضی، گروه اتحاد بازنشستگان و جمعی از دانشجویان مدافع کارگران نیز، مشارکت داشتند.

تجمع کارگران کارخانه روغن نباتی گلناز

روز دوشنبه ۱۳ اسفند ماه، کارگران کارخانه روغن نباتی گلناز در ادامه اعتراضاتشان نسبت به بلاتکلیفی شغلی و معیشتی، بار دیگر مقابل استانداری کرمان، دست به تجمع زدند. دور جدید اعتراضات کارگران کارخانه روغن نباتی گلناز کرمان، نسبت به بلاتکلیفی شغلی و معیشتی و همچنین بی توجهی مسئولین به خواسته هایشان، از روزشنبه چهارم اسفندماه، با تجمع مقابل استانداری کرمان آغاز و همچنان ادامه دارد. این کارگران خواستار دریافت مطالبات ۶ ماهه خود هستند. گفتنی است که کارخانه روغن نباتی گلناز کرمان، به مدت سه ماه است که هیچ تولیدی ندارد و کارگرن به صورت آماده در کارخانه حضور دارند.

اعتصاب کارگران آذربایجان شرقی

روز سه شنبه ۱۴ اسفندماه، کارگران خط راه آهن تبریز برای چندمین روز متوالی در اعتراض به عدم پرداخت حقوق و عیدی سالجاری به اعتصاب خود ادامه دادند.

نسل بعد از انقلاب، قربانی یا انقلابی؟ (بخش نخست)

عزیز آجیکند

سطح توقعات اجتماعی آنها بود. واقعیت این بود که افزایش شهرنشینی و ظهور طبقه‌ی متوسط شهری در جامعه کردستان و در نیمه دوم قرن بیستم، گسست از زندگی سنتی را در این بخش از جغرافیای ایران تشدید کرد. و این عمل و این اقدام مهم، سرآغاز یک انقلاب بزرگ فکری را میتوان در این منطقه بر شمرد.

همزمان بافت جامعه کردستان در آن زمان متنوع و دارای قشر آگاه و تحصیلکرده و روشنفکر هم بود که خواستها و علاقه آنها برای مبارزه سیاسی در جهت خواسته‌های انقلابی با افکار و عقاید چپ همراه بود. سوسیالیسم را تنها شرط رهایی خود میدید. رشد افکار و ایده‌های روشنفکران و مبارزین چپ در سطح ایران و به خصوص در کردستان این زمینه را آماده کرده بود که مردم کردستان اعم از مردم شهر روستا با الهام گرفتن از مبارزات سراسری و شرکت در اعتراضات توده‌های علیه حکومت تازه به قدرت رسیده، بسیج شوند و جسورانه برای خواسته‌های خود به میدان آیند و مسلح شوند. در این دوره مردم آزادی و دموکراسی را به معنای واقعی کلمه چه در خیابان و چه در مراکز کارگری و چه در شوراهای شهرها تجربه میکردند. پس در این شرایط سازمانهایی چون کومله، چریکهای فدایی، سازمان پیکار و حتی حزب دمکرات مکانیزمی بودند که مردم میتوانستند در آنها خود را سازمان دهند و نقش آفرینی کنند.

تجربیات آن دوره از تاریخ میتواند نشان دهد که در هر مقطع تاریخی نسلی از جوانان انقلابی، رزمنده، پرشور و مبارز متولد میشوند. این نسل در آن مقطع زمانی و برای یک دوره کوتاه بالنده جانمیه نیروی انسانی تکامل و حرکت پیشرونده‌ی زمان خود بود و همیشه هم در حال گذر بوده است. این نسل در حیات سیاسی و اجتماعی به مثابه یک جنبش، دایم در حال تحول و دگرگونی و شکوفایی بوده است و طبق قانونمندیهای اجتماعی در تکامل و ترقی جامعه خود سهم عمده را بدوش داشته است. به مسائل و پدیده‌های پیشرفته و مدرن تمایل پیدا کرده و از ظهور آن استقبال کرده است. در برابر رویدادها، حوادث و حرکت‌های سیاسی جامعه خود بی تفاوت نبوده است.

نسل اول انقلاب که در خود گرایش مارکسیستی را تجربه میکرد و در کردستان فعال بود، علاوه بر اینکه در احزاب سیاسی نقش داشت، در میان توده‌های مردم نیز دارای محبوبیت خاصی بود. این نسل هر آنگاهی که فریاد دفاع از آزادی و حقوق انسانی بلند میشد، با جان و دل در صف اول آن قرار داشت. این نسل، سرکوب شده بود، توانایی‌ها و استعدادهایش نادیده گرفته شده بود. در جهت ساختار شکن قدرت دولتیهای مستبد حرکت کرده بود. افکار مدرن و مترقی و غیر مذهبی، و چپ و سوسیالیستی در او برجسته بود و در جهت دگرگون کردن بافت سیاسی و اجتماعی جامعه قدم برداشته بود.

با وجود همه این مسائل اما احزاب سیاسی هم بدون کم و کاستی نبودند. گرچه اکثر این سازمانها در بین مردم محبوب و دارای نیروهای رزمنده بودند اما بدون شک استفاده درست و به موقع از شرایط به وجود آمده در منطقه را نکردند.

اکثر آنها خود را چپ و نماینده زحمتکشان معرفی میکردند. اما هیچکدام برنامه و فعالیت سیاسی منسجمی در آن زمان نداشتند. نه تعریف درستی از خود و نه میتوانستند به مثابه یک جریان چپ که خود را منسوب به زحمتکشان میدانستند، برنامه و نشریه تئوری برای مخاطبین خود داشته باشند. این سازمانها به خصوص کومله، تعدادی از روشنفکران کردستان رهبری میکردند که در نهایت و با مرور زمان در کردستان مطرح شدند.

کومله در آن مقطع زمانی توانست با استفاده از شرایط به وجود آمده در کردستان و به خصوص ستم ملی در کردستان و ادامه مبارزات توده‌های مردم علیه جمهوری اسلامی، زحمتکشان و روشنفکران بسیاری را به طرف خود جذب کند.

مردم کردستان در آن زمان تحت فشار اقتصادی شدید بودند و بیکاری

۴۰ سال پیش توده‌های مردم، متشکل از همه قشرهای مختلف و زحمتکش ایران به خصوص زنان و جوانان انقلابی به هیجان آمده به خیابان ریختند و با همت و والای خود، رژیم فاسد شاهنشاهی در ایران را سرنگون و متحدانه تاج و تختش را برای همیشه از جا کنند. سرنگونی حکومت پهلوی ثمره حرکت آزادیخواه مردمی بود که در نظر داشتند باشکست رژیم شاه، جامعه ایران را شکوفا و به دیکتاتوری و سیه روزی و فقر فلاکت، پایانی بخشند. اینک بعد از ۴۰ بهار از آن تاریخ، پرسش از آینده آن حرکت و آن به میدان آمدنها و آن آرزوها، اهمیت بسیاری میبخشد. اهمیت از آن جهت که میتواند عظمت این انقلاب بزرگ و به میدان آمدن توده‌های میلیونی در بهمن ۵۷ را یا زیر سوال ببرد و یا اینکه بپرسد انقلاب چه شد و آن نسلی که تغییر از ریشه را در سر داشت چه توضیحی برای نسل بعد از خودش را دارد و چگونه و با چه زبانی حرکت خود را توجیه و یا توضیح میدهد.

مهمترین پرسشی که امروز نزد نسل دوم و سوم و یا حتی نسل چهارم بعد از انقلاب مطرح است اینست که چرا انقلاب شد؟ گرچه این انقلاب در نطفه به شکست کشانیده شد، اما آندسته از مبارزینی که بعد از انقلاب و بعد از قدرت گیری جمهوری اسلامی، سلاح بدست گرفتند و دوباره مبارزه را اینبار علیه یک حکومت اسلامی تازه به قدرت رسیده دیگر آغاز کردند چه توضیحی برای به ثمر نرسیدن اهدافشان بعد از ۴۰ سال آنها با تمام هزینه های جانی و مالی در عرصه‌های مختلف جامعه باید داشته باشند؟

ما در این زنجیره مقالات سعی بر آن داریم این چهل سال فعالیت آندسته از انسانهایی را مورد ارزیابی قرار دهیم که در قالب گروههای کوچک چند نفره در چهارچوب سازمانهای سیاسی و صد البته چپ و مارکسیست، خود را سازمان دادند و با راه اندازی مبارزه مسلحانه قصد سرنگونی نظام جمهوری اسلامی را داشتند و هدفشان نیز برقراری یک جامعه سوسیالیستی در ایران بود.

کردستان ایران از همان آغاز به قدرت رسیدن جمهوری اسلامی همچون گذشته و در دوران رژیم پهلوی، جامعه‌ای بود که در آن مبارزه بر علیه ستم و سرکوب دولت مرکزی پیشینه‌ای طولانی داشت. در این منطقه و با پیدایش هر درجه ضعف و ناتوانی در ارکان دولت حاکم در ایران و در دوره‌های مختلف، مبارزه و اعتراض بر علیه آنها به اشکال گوناگون وجود داشت. گرچه این مبارزات در گذشته، تحت رهبری نیروها و احزاب ناسیونالیست بودند و خودمختاری مساله محوری آن بود، اما تحول اجتماعی مهمی که در دهه چهل و به دنبال اصلاحات ارضی در ایران به وقوع پیوست مناسبات فئودالی در کردستان را پشت سر گذاشت و عملاً به آن پایانی بخشید و سرمایه‌داری بر حیات اجتماعی در کردستان مسلط گردید. توده‌های وسیعی از کارگران مزدی همراه خانواده‌هایشان از روستاها کنده شده و روانه شرکتهای ساختمانی، کورمپزخانه‌ها و دیگر مراکز کارگری شدند و در روستاها نیز مناسبات سرمایه‌داری، کار مزدی، بر روابط بورژوا مالکان، دهقانان مرفه و کارگران و زحمتکشان حاکم گردید. با این نوع تغییر جمعیت شهرها افزایش فوق العاده‌ای پیدا کرد.

با روانه شدن توده‌های وسیع کارگران کردستان به بازار کار سراسری در ایران، پیوندهای اقتصادی بورژوازی محکم گردید. در چنین پروسه‌ای برای کارگران در عین حال پروسه رشد خود آگاهی طبقاتی آنها و فاصله گرفتنشان از دایره فرهنگ و سنتهای قدیمی و بالا رفتن

۸ مارس روز جهانی زن مبارک باد

مینا تهرانی



۸ مارس بر تمام زنان و مردان آزادیخواه مبارک و گرمی باد!، خصوصا به تمام کسانی که برای آزادی و برابری بین زن و مرد مبارزه بی امان داشته و تا برقراری کامل آن به تلاش پیگیر خود ادامه میدهند. به این امید جنبش آزادیخواهی و برابری طلبی تا رفع کامل این ستم و تبعیض ضد انسانی به راه خود ادامه بدهد، سرنگون کردن حکومت اسلامی ضد زن یک گام مهم در این راستا خواهد بود.

بنظر من تا تحقق این امر مهم باید هر روز را روز زن و روز برابری دانست و تا محو کامل تمام نشانه های اسلامی، مردسالارانه، فرهنگ عقیم مانده ملی گرایانه و سنت حاکم ضد زن به مبارزات خود ادامه داد. در ایران زنان و دختران که بیشترین قربانی را طی ۴۰ سال اخیر داده اند لازمه که از بیش از هر زمانی برای پایان دادن به این جنایتها علیه خود و رهایی کامل از این ننگ بشریت به میدان بیایند و آن را برای همیشه به زیاله دان تاریخ بسپارند. واقعا شرم آور است در عصر حاضر هنوز با زنان مثل صدر اسلام و جاهلیت برخورد میشود و در مورد مسائل شخصی از حجاب، پوشش، انتخاب شغل، انتخاب روابط خصوصی و خانوادگی و غیره... خود بعنوان یک فرد مستقل نمیتواند تصمیم بگیرد.

آزادی زن ضامن آزادی جامعه است! زنان، که نیمی از جمعیت جامعه را شامل میشوند، اگر آزاد نباشند تأثیرات سوئی را در تمام جوانب زندگی و جامعه خواهد داشت و کلا جامعه آزاد و سالم نخواهد بود. بنا براین با برقراری جلسات بحث و گفتگو و تبلیغات موثر حول محور آزادی و برابری میتوان بطور گسترده برنامه ریزی و روشنگری کرده و زنان و مردان را برای زندگی بهتر با کمترین خسارت های مادی و معنوی آماده کرد.

با آرزوی برقراری برابری و آزادی بین زن و مرد در تمام عرصه های اجتماعی و فرهنگی که این امر خود موجب کمترین آسیب های اجتماعی به خانواده و افراد جامعه خواهد شد.

زنده باد سوسیالیسم

زنده باد برابری زن و مرد

سرنگون باد جمهوری جهل و جنایت اسلامی

نسل انقلاب...!



مشکل اساسی و جدی مردم بود، همزمان مردم کردستان خود را در جبهه مخالفت با جمهوری اسلامی میدیدند و آنرا دشمن قسم خورده خود میدانستند. این در حالی بود که جمهوری اسلامی نیز به کردستان یورش آورده بود و قصد داشت کردستان را به زیر سلطه خود در بیاورد. اما موضع رادیکال مقاومت مسلحانه در برابر یورش جمهوری اسلامی که از طرف کومله مطرح شد، با استقبال وسیع توده های مردم در کردستان مواجه شد و هر چه بیشتر این جریان را توده ای نمود. سازماندهی توده ها برای مقاومت مسلحانه در شرایطی که مبارزات مردم کردستان با یورش وسیع نظامی روبرو شده بود، جنبش را در موقعیت انقلابی و رودرویی همه جانبه با دولت قرار داد.

در کنار همه اینها مبارزه طبقاتی هم در شرایطی نبود که مردم به خصوص قشر کارگرو زحمتکش به سوسیالیسم و کمونیسم و حکومت کارگری گرایش داشته باشند از طرفی دیگر هم چپ در ایران هم دارای موقعیتی نبود که بتواند با جریان خرده بورژوازی در درون خود تسویه کند و سوسیالیسم انقلابی را استراتژی خود قرار دهد. در واقع میتوان گفت که همه چپهای ایران در گرداب پوپولیسم و ملی گرایی گیر کرده بودند و نمیتوانستند از چنین گردابی گذر کنند. طبیعتا کومله نیز در کردستان از این قاعده مستثنا نبود و در همین محور قرار داشت.

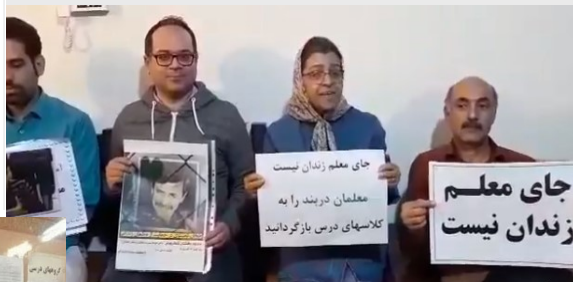
که خود این مسائل جرقه آینده ای تاریک و بدون استراتژی درست را برای آینده کردستان و چپ در منطقه رقم زد.

ادامه دارد ...

یک رکن بسیار مهم پیروزی جامعه ای که خواهان آزادی و برابری و رفاه و امنیت است توجه جدی به سیاستهای رادیکال، شفاف، بدون تعارف و بدون توسل به رویکرد فاسد دیپلماسی بازی با "توده ها" و دنیای سیاست، از جانب احزاب سیاسی و نوینی مانند حزب سوسیالیست انقلابی ایران است.

این حزب را به عنوان حزب راستین طبقه کارگر، حزب واقعی آزادی زن، حزب جوانان انقلابی، و حزب سازمانده و رهبر جنبش ما برای سرنگونی قهر آمیز جمهوری اسلامی و کلیت نظام فاسد سرمایه داری، استقرار آزادی، برابری و یک نظام سوسیالیستی در آینده بعد از نابود کردن این رژیم جهل و جنایت باید شناخت و به آن پیوست (س-ز)

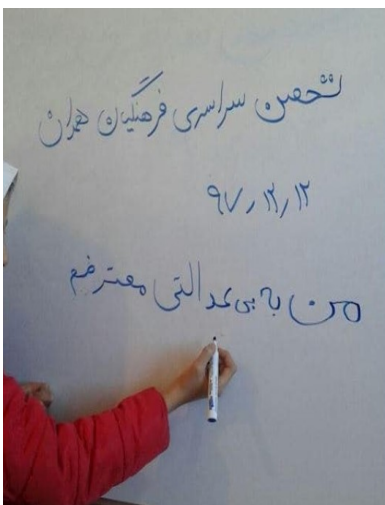
اعتصاب سه روزه فرهنگیان به روایت تصویر



در اعتراض به وضعیت صنفی؛ معلمان در ایران بار دیگر تحصن کردند



معلمان در ایران سومین دور از تحصن سراسری خود را از امروز یکشنبه ۱۲ اسفند آغاز کردند



اعتراض به "ظلم و بی عدالتی"

پایان سومین دور تحصن معلمان در ایران؛ وزیر اعتراضات را "معدود" خواند

سومین دور تحصن سراسری معلمان در ایران پایان یافت. مسئولان آموزش و پرورش این اعتراضات را "معدود" خوانده‌اند. نمایندگان معلمان اما با استناد به "آمار مستند" خود تحصن اخیر را "پاشکوه‌تر" از دوره‌های قبیل عنوان می‌کنند.



بر اساس گزارش‌هایی که در شبکه‌های اجتماعی و برخی رسانه‌های داخلی منتشر شده، معلمان از دیروز یکشنبه ۱۲ اسفند (سوم مارس) در برخی از مدارس استان‌های مختلف ایران به نشانه اعتراض به کلاس‌های درس نرفته و در دفتر مدارس تحصن کرده‌اند.



گزارش تصویری از چند اعتراض و رویداد مهم در ایران

● اعتراضات کارگران بازنشسته فولاد اهواز.

12 اسفند 97
#اعتراض_سراسری
anjomanbik@



خبره ما خالیه و کدما در حالیه

● امروز ۸ اسفند سوئین روز تجمع اعتراضی کارگران شهرداری بروجرد مقابل ساختمان شهرداری مرکزی در اعتراض به عدم دریافت ۸ ماه حقوق معوقه و عدم

@godneshinan

● درگیری مأموران سندسیر شهرداری گرگان با دستروشان که با مخالفت مردم روبرو شد.



● خانواده اسماعیل بخشی باز هم مقابل دادگستری شوش در سکوت تجمع کردند



● در روزهای اخیر این چهره بار است که خانواده اسماعیل بخشی مقابل دادگستری شوش به تجمع رفتند.



● آقای استادار نو سی نوز بروج بگی من چه بکنم؟

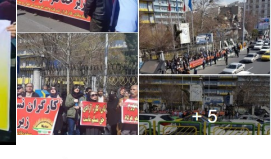
● فولاد کارگران پرلنک خزر، خونی استعدای گیلان

● سمن مستشاران بازی نود فومیل زن اول و بلایوس دور زورنگه زان آلت

● با روسی سخته، گرما نمک گزشت گز

● گشتبند سراسری از آتش آرمینام

anjomanbik@



● محکومیت بهنام ابراهیم راده، فعال کارگری به ۶ سال زندان و جوادیت سه کتاب

● بهنام ابراهیم راده به شش سال زندان و مطالعه و رویتسی سه کتاب محکوم شد.

● بهنام ابراهیم راده فعال کارگری و حقوقی کوزتاب به حکم دادگاه به اتهام عضویت در گروههای مخالف و تبلیغ علیه نظام به شش سال حبس محکوم شد. او علاوه بر حکم زندان باید مطالعه و رویتسی ابروی سه کتاب را نیز را انجام دهد.

● این حکم در دادگاهی بدون حضور وکیل، بدون نمایندگی دادستان و حتی بدون مدعی و در غیاب هیچ مدرک معتبره است.

● این فعال کارگری تا ۳۰ روز محروم دارد که به حکم صادره اعتراض کند.

● بهنام ابراهیم راده پیش از این مدت ۸ سال در زندان بوده است.

● این فعال کارگری روز دوشنبه ۱۳ اسفند ماه از دو ماه بازداشت مفت، با سپردن وثیقه ۳۰۰ میلیون تومانی، به صورت مفت از زندان اوین آزاد شد.

۸ مارس، روز جهانی زن در ایران به روایت چند تصویر



تهران

"مراسم گرامی داشت ۸ مارس روز جهانی زن در اطراف سنندج"

#کولبرنیوز
#kolbarnews
kolbarnews@



Comviq 01:00



امسال ۸ مارس در کف خیابان بود! دختر و پسر بعد از خواستگاری علنی در یک مرکز خرید بازداشت شدند

خبرگزاری هراتا - معاون اجتماعی فرماندهی انتظامی استان مرکزی اعلام کرد پسری که به تازگی از یک دختر بصورت علنی در مرکز خریدی در اراک خواستگاری کرده بود به دلیل "اقدام به درخواست ازدواج مغایر با شئون اسلامی" همراه با دختر دستگیر شد.
<https://t.me/hranews/32052>

کانال خبرگزاری هراتا @hranews
ادمین @hranews1

روز جهانی زن: ایران پچی از ۵ کشور بیش از همه نابرابر جهان

منتشر شده در ۲۰۱۹-۰۳-۰۸ • روزنامه شده در ۲۰۱۹-۰۳-۰۸ ساعت ۱۷:۲۶



نشریه شنبه ها منتشر میشود

روزهای شنبه هر هفته نشریه "سوسیالیسم امروز" منتشر میشود. آخرین زمان برای ارسال مطالب برای نشریه روزهای پنجشنبه هر هفته است.

موازین انتشار

مقالات در نشریه

سوسیالیسم امروز:

- سردبیر در انتشار، رد و ویرایش مقالات آزاد است!
- مقالاتی در این نشریه منتشر میشوند که تنها برای این نشریه فرستاده شده باشد.
- مسئولیت مقالات با نویسندگان آن است.
- حداکثر حجم مطلب منتشره در نشریه دو صفحه آ ۴ با فونت ۱۲ میباشد.

مقالات و گزارشات خود را لطفاً به این آدرس ایمیل بفرستید:

S_zijzi@yahoo.se

به ما کمک مالی کنید

از طریق این شماره حساب کمک های مالی خود را برای ما بفرستید.

SWEDEN
SEB BANK
50550056411

هر میزان از کمک مالی شما انسانهای مبارز و دلسوز مستقیماً به پیشرفت ما در جهت گسترش مبارزه خود برای آزادی و برابری و تداوم مبارزه همه جانبه تر خود به منظور سرنگونی جمهوری جنایتکار اسلامی کمک فوری خواهد کرد.



اخراج و بیکارسازی موقوف!